

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه فدکیه

تهیه و تنظیم:
گروه پژوهش مؤسسه بیان معنوی

بیان معنوی

فهرست

- ۴ متن خطبه با ترجمه مقابل
- ۴ ستایش خداوند، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا
- ۷ هدف از آفرینش
- ۸ فلسفه ثواب و عقاب
- ۹ شهادت به رسالت حضرت محمد(ص)
- ۱۱ وضع مردم قبل و بعد از بعثت
- ۱۳ وفات رسول خدا(ص)
- ۱۴ قرآن میراث پیامبر(ص) در میان امت
- ۱۷ اسرار عبادات و احکام دین
- ۲۱ معرفی خود و خدمات پیامبر(ص)
- ۲۵ حقارت مردم قبل از اسلام
- ۲۷ علی(ع) و فداکاری‌های او
- ۲۹ سرزنش رفاه‌طلبان و فتنه‌گران
- ۳۰ ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر(ص)
- ۳۲ غصب خلافت
- ۳۶ آری، شما سوار بر ناقه خلافت شدید
- ۳۸ دادخواهی درباره غصب فدک در برابر ابوبکر
- ۴۳ عذاب قیامت برای غاصبان
- ۴۴ سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان
- ۴۹ و آنچه در کتاب خداست، این است
- ۵۰ حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟
- ۵۷ هشدار به غاصبین خلافت
- ۵۹ پاسخ ابوبکر
- ۶۱ هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان
- ۶۴ متن فارسی خطبه
- ۸۷ متن عربی خطبه

علامه طبرسی در کتاب احتجاج، به نقل از عبدالله بن حسن، نواده امام حسن مجتبی (ع)، از پدرانش چنین نقل می‌کند: «هنگامی که خبر غصب فدک به حضرت زهرا (س) رسید، لباس بر تن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان به سوی مسجد روانه شد، به مسجد پیامبر (ص) وارد شد، و در پشت پرده‌ای نشست و ناله‌ای سرداد. مردم به گریه افتادند و مجلس به خروش آمد و منقلب شد. حضرت لحظاتی سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش آنها آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود، و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:

ستایش خداوند، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا

ستایش سزاوار خدا است
برای نعمت‌هایی که عطا
فرمود.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا
أَنْعَمَ

و شکر و سپاس سزاوار
اوست برای آنچه الهام
فرمود.

وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا
أَلْهَمَ

و درودها شایسته اوست
برای آنچه از پیش عطا
فرمود.

وَالْتَنَاءُ بِمَا قَدَّمَ

از نعمت‌های گسترده‌ای
که آغاز نمود،

مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ
ابْتَدَأَهَا

و روزی‌های فراوانی که
ارزانی داشت،

وَسُبُوحِ آيَاتِ أَسْدَاها

و عطایای ارزشمندی که
پی در پی افزود.

وَتَمَامِ مِئِنِ وَالْاها

آیة: نعمت‌ها، آشدی: بخشید، والا(اولی): بخشید، پی در پی

فراتر از آنکه شمارش
شوند، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ
عَدَّهَا

و ماندگارتر از آنکه قابل
بازگشت و جبران باشند. وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ
أَمَدُهَا

و پایانش، فراتر از آنکه
قابل ادراک باشد. وَ تَفَاوَتَ عَنِ
الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا

و برای ازدیاد نعمت‌ها،
آنها را به شکر خویش
فراخوانده، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا
بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا

و برای تکمیل آنها مردم
را به ستایش خود دعوت
نموده، وَ اسْتَحَمَدَ إِلَى
الْمَخْلَاقِ بِإِجْزَالِهَا

و برای بدست آوردن امثال
آنها، باز هم تشویق فرموده
است. وَ ثَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى
أَمْثَالِهَا

تَأَى: دور است، أَمَد: غایت و پایان، تَفَاوَتَ: دور شد، نَدَبَ: فراخواند، إِجْزَالَ: زیاد کردن،
بخشش فراوان، ثَنَّى: دوباره تکرار کرد

وَشَهِدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

و شهادت می دهم که
معبودی جز خدای
یکتای بی شریک نیست.

كَلِمَةً جَعَلَ
الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا

سخنی که مصداق
خارجی آن را اخلاص قرار
داده،

وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ
مَوْصُولَهَا

و روح آن را به قلبها
پیوند داده،

وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ
مَعْقُولَهَا

و ادراک عقلی آن را به
روشنی برای عقول میسر
کرده.

الْمُمْتَنِعُ عَنِ
الْأَبْصَارِ رُؤْيَتِهِ

چرا که دیدنش با چشمها
غیر ممکن،

وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ

و بیان اوصافش با زبان،
محال،

وَمِنَ الْأَوْهَامِ
كَيْفِيَّتُهُ

و درک چگونگی او در
پندار، ممتنع است.

ضَمَّنَ: ضمیمه کرد، أَنَارَ: روشن کرد

هدف از آفرینش

خداوند اشیاء را تازه آفرید،
نه از چیزی که موجود
باشد.

إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا
مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا

و ایجادشان کرد، نه با
پیروی و تقلید از چیزی.

وَأَنْشَأَهَا بِلَا اِخْتِذَاءٍ
أَمْثَلَةً أَمْثَلَهَا

و با قدرت خویش هستی
بخشید،

كُونَهَا بِقُدْرَتِهِ

و آنها را تکثیر و پراکنده
ساخت، آنچنان که
خواست.

وَذَرَّاهَا بِمَشِيَّتِهِ

بی آنکه به آفرینش آنها
نیازی داشته باشد،

مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ
إِلَى تَكْوِينِهَا

یا از صورت بندی آنها
سودی برده باشد؛

وَلَا فَايِدَةَ لَهُ فِي
تَصْوِيرِهَا

أَنْشَأَ: ایجاد کرد، اِخْتِذَاءٌ: پیروی کردن، اِقْتِبَاسٌ، كَوْنٌ: به وجود آورد، ذَرَّأً: تکثیر و بذرپاشی
کرد، مَشِيَّتٌ: خواست

جز آنکه حکمتش را به
اثبات رسانده،

إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ

و مردم را به اطاعت خود
توجه داده باشد،

وَتَثْبِيهَا عَلَى
طَاعَتِهِ

و قدرتش را از این دریچه
ظاهر نموده،

وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ

و زمینه پرستش را برای
مخلوقاتش فراهم آورده
باشد،

وَتَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ

و به دعوت پیامبران
قوت بخشیده باشد.

وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

فلسفه ثواب و عقاب

سپس برای اطاعتش
پاداش مقرر فرمود،

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى
طَاعَتِهِ

و برای معصیتش کیفرها
وضع نمود؛

وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى
مَعْصِيَتِهِ

تثبیه: متوجه کردن

تا بندگان‌ش را از خشم
و عذاب انتقام خود دور
کند،

ذِيَادَةَ عِبَادِهِ مِنْ
نِقْمَتِهِ

و آنها را به سوی بهشت
خودش سوق دهد.

وَ حِيَاشَةً لَهُمْ إِلَى
جَنَّتِهِ

شهادت به رسالت حضرت محمد (ص)

و گواهی می‌دهم که پدرم
محمد، بنده و فرستاده
اوست.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

او را پیش از آنکه او را
بفرستد انتخاب کرد،

إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ

و پیش از آنکه انتخاب
کند نشانه کرد،

وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ
إِجْتَبَاهُ

و پیش از آنکه او را به
پیامبری برانگیزد گزینش
کرد.

وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ
إِبْتَعَثَهُ

حیاشة: سوق دادن، سَمًا: نشانه کرد، ذیادة: دور کردن

در حالی که مخلوقات،
هنوز در عالم غیب پنهان
بودند،

إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ
مَكْنُونَةٌ

و در پوشش اصلاب و
ارحام، محفوظ بودند،

وَبِسْتِرِ الْأَهْوِيلِ
مَصُونَةٌ

و با مرز نیستی همنشین
بودند.

وَبِنِهَائِي الْعَدَمِ
مَقْرُونَةٌ

دلیل انتخاب
پیامبر (ص)، علم خداوند
متعال به آینده دوران،

عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى
بِمَائِلِ الْأُمُورِ

و احاطه کامل او به
حوادث روزگاران،

وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ
الدُّهُورِ

و شناخت کامل او به
مقدرات جهان بود.

وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ
الْمَقْدُورِ

خداوند پیامبر (ص) را
مبعوث فرمود، برای به
انجام رساندن برنامه اش،

إِبْتَعَثَهُ اللَّهُ إِتْمَامًا
لِأَمْرِهِ

أهویل: شدید و ترس آور

وَعَزِيمَةٌ عَلَىٰ إِمْضَاءِ
و ارادهٔ قطعی بر ابلاغ و
حُكْمِهِ
اجرای تصمیمش،

وَأَنْفَازًا لِمَقَادِيرِ
و عملی کردن مقدرات
حَتْمِهِ
حتمی اش.

وضع مردم قبل و بعد از بعثت

فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِي
او مردم را مشاهده کرد، هر
أَدْيَانِهَا
فرقه‌ای دینی را برگزیده،

عُكْفًا عَلَىٰ نِيرَانِهَا
برخی به خلوت نشینی و
عبادت در آتشکده‌اند،

عَابِدَةٌ لِأَوْثَانِهَا
برخی مشغول پرستش
بت‌های تراشیده‌اند،

مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ
و با اینکه او را به خوبی
می‌شناسند، خدا را انکار
مِ عِرْفَانِهَا
می‌کنند.

عَزِيمَةٌ: ارادهٔ قطعی، عُكْفًا (عاکف، عکف): بی‌بوسته درکنار چیزی بودن، نیران (نار): آتش،
أَوْثَان (وثن): بُت‌ها

خداوند با نور پدرم
محمد، تاریکی‌هایی که
حاکم شده بود را زدود،

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ
ظُلْمَهَا

و پرده‌های ابهام را از قلب
آنها کنار زد،

وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ
بُهُمَهَا

و تیرگی‌ها را از مقابل
چشم‌ها برطرف ساخت،

وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ
غُمَمَهَا

و در میان مردم به هدایت
برخاست.

وَ قَامَ فِي النَّاسِ
بِالْهُدَايَةِ

تا اینکه آنها را از گمراهی و
خرافات نجات داد،

فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ
الْغَوَايَةِ

و به جای کوردلی، آنها را
روشن بین نمود،

وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ
الْعَمَايَةِ

و به دین استوار و با قوام
هدایت فرمود،

وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ
الْقَوِيمِ

بُهُم: میهم و بیچیده، جَلَى: روشن ساخت، غُمَم (غُمَّه): پوشیده، أَنْقَذَ: نجات داد، غَوَايَةِ: گمراهی، عَمَايَةِ: کوری

وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ
وَأَنهَارًا بِرِجَالِهِمْ
دَعْوَتِ نَمُود.

وفات رسول خدا(ص)

ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ
وَنَسِيَ نَسِيًّا
آنگاه خدا روح او را به
سوی خویش کشید،

قَبْضَ رَافَةً وَاخْتِيَارًا
وَرِجَالَهُمْ
بِالطَّفِّ وَمَحَبَّةٍ، وَاخْتِيَارًا
وَاشْتِيَاقًا وَانْتِخَابًا.

فَمَحَمَّدٌ مِنْ تَعَبٍ
هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ
اکنون محمد(ص) از رنج
این دنیا راحت شده،

قَدْ حُفِّ
بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ
فرشتگان برتر او را در میان
گرفته،

وَرِضْوَانِ الرَّبِّ
الْغَفَّارِ
و رضوان پروردگار آمرزنده
او را در بر گرفته،

وَمُجَاوَزَةِ الْمَلِكِ
الْجَبَّارِ
و در همسایگی فرمانروای
چیره جای گرفته است.

ایشان: ترجیح دادن، حُفِّ: در بر گرفته شده

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي
نَبِيِّهِ وَآمِينِهِ
پیامبر (ص) و امین او،
درود خدا بر پدرم،

وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ
صَفِيَّتِهِ
او،
و بهترین مردمان و برگزیده

وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ
خداوند بر او.
و سلام و رحمت و برکات

قرآن میراث پیامبر (ص) در میان امت

ثُمَّ التَّفَتُّ إِلَى أَهْلِ
الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ:
سپس رو به اهل مجلس
کرد و فرمود:

أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ
نُصِبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ
شما بندگان خدا،
مخاطبان او و امر و نهی او،

وَ حَمَلَةُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ
و حاملان دین و وحی او،

وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى
أَنْفُسِكُمْ
و امانت داران خدا نسبت
به یکدیگر،

نُصِبُ: هدف، نشانه

و رسانندهٔ پیام او به
امت‌های دیگر هستید.

وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ

پرچمدار و حافظ حق او
در میان شماست،

وَزَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ
فِيكُمْ

و عهدنامه‌ای که برایتان
فرستاده،

وَعَهْدٍ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ

و یادگاری که بر شما
حاکم کرده نزد شماست.

وَبَقِيَّةٍ اسْتَحْلَفَهَا
عَلَيْكُمْ

کتاب گویای خداوند و
قرآن راستگو،

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ
الْقُرْآنُ الصَّادِقُ

نوری تابنده، و روشنایی
درخشنده،

وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَ
الضِّيَاءُ اللَّامِعُ

دلایل روشن و اسرار
باطنی اش هویدا،

بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ
مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ

زَعِيم: پیشوا، رهبر، بَصَائِرُ (جمع بصیرت): بینش، مُنْكَشِفَةٌ: ظاهر و آشکار

مُنْجَلِيَّةً ظَوَاهِرُهُ
مُغْتَبِطَةً بِهِ أَشْيَاعُهُ
زیبایی هایش جلوه‌کننده،
و رهروانش مورد غبطه،

قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ
إِتِّبَاعُهُ
پیروی اش باعث رسیدن
به رضوان الهی است،

مُؤَدِّ إِلَى النِّجَاةِ
اسْتِمَاعُهُ
و شنوندگانش را به راه
نجات کشانیده است.

بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ
الْمُنَوَّرَةُ
از طریق قرآن می‌توان به
حجت‌های روشن خدا
رسید،

وَعَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ وَ
مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ
و واجباتی که در آن
تشریح شده و محرماتی
که منع شده،

وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَ
بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ
و دلایل روشنگرانه و
برهان‌های قانع‌کننده،

مُنْجَلِيَّةً: جلوه‌گر، مُغْتَبِطَةً (غبطه): مورد حسرت، أَشْيَاعُ: پیروان، مُؤَدِّ: رساننده، تُنَالُ (نیل): رسیدن، عَزَائِمُ: واجبات، مُحَدَّرَةُ: منع شده، جَالِيَّةُ: روشن کننده

و فضائل پسندیده و
رخصت‌ها و مباح‌های
مرحمت شده،

وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ وَ
رُخْصَتُهُ الْمَوْهُوبَةُ

و دستورات و احکامی که
واجب شده را به دست آورد.

وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ

اسرار عبادات و احکام دین

خداوند ایمان را مقرر فرمود
برای پاکی شما از شرک،

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ
تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ
الشِّرْكِ

و نماز را مقرر فرمود برای
دوری شما از کبر و
خودخواهی،

وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ
عَنِ الْكِبْرِ

و زکات را برای پاکیزگی
نفس و افزایش روزی،

وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً
لِلنَّفْسِ وَنِمْاءً فِي الرِّزْقِ

و روزه را برای تحکیم
اخلاص و پایداری،

وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً
لِلْإِخْلَاصِ

الْمُنْدُوبَةُ: توصیه شده، مستحب، رُخْصَةٌ: اجازه داده شده‌ها، تَنْزِيه: دور کردن، نِمْاء (نُمُو): رشد کردن

وَالْحَجَّ تَشِيداً
و حج را برای شکوه دین و
استواری،
لِلدِّينِ

وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً
و عدالت را برای پیوند
قلب‌ها و همبستگی،
لِلْقُلُوبِ

و طَاعَتَنَا نِظَاماً
و اطاعت ما خاندان را
برای نظم و هماهنگی،
لِلْمِلَّةِ

و اِمَامَتَنَا اَمَاناً
و امامت ما را، برای ایمنی
از تفرقه و فروپاشی،
لِلْفِرْقَةِ

و الْجِهَادَ عِزّاً لِلْاِسْلَامِ
و جهاد را برای عزت اسلام
و سربلندی،

و الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلٰی
و صبر را وسیله‌ای برای
شایستگی پاداش الهی،
اِسْتِجَابِ الْاَجْرِ

و الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ
و امر به معروف را برای
مصلحت عموم مردم،
مَصْلِحَةِ الْعَامَّةِ

تَشِيد: استواری و پابرجایی، تَنْسِيق: همبستگی و انسجام

وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وِقَايَةً
و نیکی به پدر و مادر را
برای جلوگیری از غضب
الهی،

وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ
و صلۀ رحم را برای افزایش
جمعیت و عمر طولانی،
مَنْسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ
مَنْمَاءً لِلْعَدَدِ

وَالْقِصَاصَ حِقْنًا
و قصاص را برای حفظ
جان و پیشگیری از
خونریزی،
لِلدِّمَاءِ

وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ
و وفای به نذر را برای
کسب آمرزش الهی،
تَعْرِضًا لِلْمَغْفِرَةِ

وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ
و کامل دادن پیمانۀ و
وزن را برای تغییر روحیه
کم فروشی،
وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا
لِلْبَخْسِ

وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ
و نهی از شرابخواری را
برای دوری از پلیدی،
تَنْزِيهَا عَنِ الرَّجْسِ

وِقَايَةً: محافظت در برابر، مَنْسَاءً: باعث طولانی شدن، مَنْمَاءً: وسیله رشد و نمو، حِقْنًا: پاسداری، حفظ

وَجْتَنَابَ الْقَذْفِ
و پرهیز از تهمت را برای
دوری از لعنت خداوندی،
حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ

وَتَرَكَ السَّرِقَةَ إِجْبَاباً
و ترک دزدی را الزامی برای
مصونیت از لغزش قرار
داد.
لِلْعِصْمَةِ

وَحَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ
و خدا شرک را حرام فرمود
برای خلوص نسبت به او
در ربوبیت،
إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ

«فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ
«پس تقوا پیشه کنید،
أَنْكُونَهُ كَمَا شَاسْتَهُ مَقَامِ
آنگونه که شایسته مقام
اوست،
تُقَاتِهِ

وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
و از دنیا نروید، جز آنکه
تسلیم امر خدا باشید.»
مُسْلِمُونَ»
(آل عمران/۱۰۲)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا
و خدا را در آنچه به آن امر
و نهی شده‌اید اطاعت
نمایید،
أَمْرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ
عَنْهُ

قَذْف: تهمت زنا

چرا که «از میان بندگان
 خداوند، تنها عالمان
 در برابر عظمت خدا
 متواضعند.» (فاطر/۲۸)

فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ
 مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»

معرفی خود و خدمات پیامبر (ص)

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! آنگاه فرمود: ای مردم!

إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةٌ وَ
 أَبِي مُحَمَّدٌ همه بدانید، من فاطمه ام
 و پدرم محمد است.

أَقُولُ عَوْدًا وَبَدْءًا دوباره هم می گویم،
 چنانکه در ابتدا هم بیان
 نمودم،

وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ و آنچه را می گویم اشتباه
 غَلَطًا نمی گویم،

وَلَا أَفَعَلُ مَا أَفَعَلُ و در آنچه می کنم راه خطا
 شَطَطًا نمی پویم.

شَطَطًا: ناروا، ناحق

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ
مِّنْ أَنْفُسِكُمْ»
«همانا برای شما، پیامبری
از میان خودتان آمد،

عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
که رنج و محنت شما بر
او دشوار، و بر نجات شما
مشتاق،

بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ
رَّحِيمٌ
و بر مؤمنان، رئوف و
مهربان است». (توبه/۱۲۸)

فَإِنْ تَعَرَّوْهُ وَتَعَرَّفَوْهُ
و اگر خاندان و نسب
او را جويا شوید و او را
بشناسید،

تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ
نِسَائِكُمْ
می یابید که او پدر من
است، نه پدر زنان شما،

وَآخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ
رِجَالِكُمْ
و برادر پسر عموی من
است، نه برادر مردان شما.

وَلَنِعْمَ الْمَعْرِضِيُّ إِلَيْهِ
و چه افتخار و نیکو
نسبتی است، نسبت با او.

عَشِيمٌ: به رنج و زحمت انداخته شما را، تَعَرَّوْهُ: نَسَب او را یاد کنی، الْمَعْرِضِيُّ إِلَيْهِ: منسوب به او

او وظیفهٔ ابلاغ رسالتش را
فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ

به خوبی انجام داد،

صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ

آشکارا هشدار می داد،

مَائِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ
الْمُشْرِكِينَ

از راه و رسم مشرکین رو
می گرداند،

ضَارِباً ثَبَجَهُمْ

با نواختن بر شانه‌ها، مردم
را به پیش می راند،

أَخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ

و از مقابل، آنها را
می کشید.

دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ

و با حکمت و اندرز نیکو
به سوی پروردگار خود
فرامی خواند.

يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ

بت‌های سنگی و گلی را
می شکاند،

وَيَنْكُثُ الْهَامَّ

و اشراف و سران مشرک و
متکبر را سر می کوباند،

صَادِعاً: آشکار کننده، مَائِلاً عَنِ: رویگردان از، مَدْرَجَةِ: راه و روش، ثَبَجَ: پشت شانه، أَكْظَامَ: گریبان‌ها، أَصْنَامَ: بت‌ها، يَنْكُثُ: سرکوب کردن، هَامَّ: بزرگان

تا اینکه جمع آنها
شکست خورد و رو به
عقب گریختند،

حَتَّىٰ انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ
وَلَّوْا الدُّبُرَ

و صبح ایمان، تاریکی
کفر را شکافت و سر
برآورد،

وَتَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ
صُبْحِهِ

و حقیقت ناب به جلوه
درآمد،

وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ
مَحْضِهِ

و زمامدار دین به سخن
آمد،

وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ

و فریادهای شیاطین
خاموش گشت،

وَخَرَسَتْ شَقَايِقُ
الشَّيَاطِينِ

و دورویی و فرومایگی اهل
نفاق فرونشست،

وَطَاخَ وَشَيْطُ النِّفَاقِ

و همبستگی های کفر
و دشمنی و اختلاف به
پایان آمد،

وَانْحَلَّتْ عُقْدُ
الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ

انْهَزَمَ: شکست خورد، تَفَرَّى: کنار زد، اَسْفَرَ: آشکار شد، مَحْضُ: خالص، خَرَسَ: ساکت شد،
شَقَايِقُ: غُرُش، طَاخَ: فرونشست، وَشَيْطُ: فرومایه اِنْحَلَّتْ: گشوده شد

وَفَهْتُمْ بِكَلِمَةٍ
و زبان به گفتن لا اله الا الله
گشودید،
الإِخْلَاصِ

فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ
و با نفراتی رنگ پریده و
شکم خالی هم زبان شدید.
الْخِمْاصِ

حقارت مردم قبل از اسلام

وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا
و اما پیش از این بر لب
حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ
پرتگاهی از آتش بودید،

مُدَقَّةَ الشَّارِبِ
همچون جرعه‌ای برای آنها
که دنبال نوشیدن اند،

وَنَهْزَةَ الطَّامِعِ
و فرصتی برای آنها که در
طمع شکارند،

وَقَبْسَةَ الْعِجْلَانِ
و پاره آتشی برای آنها که
دنبال ربودن آتش اند.

وَمَوْطِيءِ الْأَقْدَامِ
و لگدکوب هر رونده،

فَهْتُمْ: گویا شدید، خِمْاصِ: با شکم خالی، مُدَقَّةَ: شیر رقیق شده با آب، نَهْزَةَ: فرصت، شِكَارِ،
قَبْسَةَ: هیزم نیم سوخته، مَوْطِيءِ: لگدکوب

تَشْرَبُونَ الطَّرِقَ
نوشنده آبهای آلوده و
گندیده،

وَتَقَاتُونَ الْقِدَّ
و خورنده گوشت‌های
خشکیده،

أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ
و خوار و حقیر و رانده
بودید.

تَخَافُونَ أَنْ
يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ
مِنْ حَوْلِكُمْ
و پیوسته از اینکه مردمان
غارتگر شما را بربایند
می ترسیدید.

فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى
بِمُحَمَّدٍ
تا اینکه خدای تعالی شما
را به وسیله محمد (ص)
نجات داد،

بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتِي
البته بعد از آن همه خواری
و ناتوانی،

وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمِ
الرِّجَالِ
و بعد از درگیری با مردان
بی باک و بی پروا،

تَقَاتُونَ (قوت): غذای خود قرار می دهید، أَذِلَّةٌ (ذلیل): خوار و زبون، خَاسِئِينَ (خاسیاء): سرافکننده و مطرود، يَتَخَطَّفَكُمُ (خطف): ربودن، مُنِيَ: گرفتار شد

و دزدان بدبخت عرب، وَذُؤْبَانِ الْعَرَبِ

و متمردین نافرمان یهود و نصارا. وَمَرْدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ

علی(ع) و فداکاری های او

هر زمان آتش جنگی
افروخته می شد،
كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا
لِلْحَرْبِ

خداوند آن را خاموش
می کرد. أَطْفَأَهَا اللَّهُ

و یا هرگاه شاخ شیطان سر
برمی آورد، أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ

و یا فتنه ای از سوی
مشرکین دهان می گشود،
أَوْ فَغَرَّتْ فَاعِرَةً مِّنَ
الْمُشْرِكِينَ

پیامبر (ص)، برادرش
علی را در دهان معرکه
می انداخت، قَذَفَ أَخَاهُ فِي
لَهَوَاتِهَا

ذُؤْبَان: دزدان و فرمایگان، مَرْدَةِ (مارد): افراد سرکش، أَوْقَدُوا: آتش افروختند، نَجَّمَ: پیدا شد، سر برآورد، فَغَرَّتْ: دهان باز کرد، قَذَفَ: انداخت، لَهَوَات: گلو، عمق دهان

و او دست بردار نبود، و سر
از پانمی شناخت،

فَلَا يَنْكَفِي

تا گوش آنان را کف پایش
می گذاشت،

حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا
بِأَخْمَصِهِ

و آتش فتنه را با آب
شمشیرش خاموش
می ساخت.

وَيُخَمِّدُ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ

در راه خدا بسیار سختی
کشیده،

مَكَدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ

در امر خدا بسیار
کوشیده،

مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ

مجاور و نزدیک به رسول
خدا،

قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

سید و سالار و سروری از
اولیاء خدا،

سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ

لَا يَنْكَفِي: برنمی گشت، يَطَأُ: زیر پا گذاشت، صِمَاخ: سوراخ گوش، أَخْمَص: فرورفتگی کف
پا، يُخَمِّدُ: خاموش می کرد

مُسَيَّرًا نَاصِحًا مُجِدًّا
کَادِحًا
آستین بالا و آماده،
خیرخواه، پرتلاش و
کوشنده،

لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ
لَوْمَةٌ لَّآئِمٍ
و در راه خدا بی اعتنا به
سرزنش‌ها و ملامت‌ها بود.

سرزنش رفاه طلبان و فتنه‌گران

وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ
مِنَ الْعَيْشِ
اما شما در رفاه و آسایش
زندگی آرمیده،

وَادِعُونَ فَاكِهِونَ
آمِنُونَ
در شادمانی و امنیت با
خیال آسوده لم داده،

تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ
نشسته،
در انتظار دگرگونی روزگار
و حوادث ناگوار برای ما

وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ
و گوش به زنگ اخبار بد
درباره ما هستید،

وَادِعُونَ: آسوده، فَاكِهِونَ: شادمان، تَتَرَبَّصُونَ: در انتظار بسر می‌برید، دَوَائِرِ: دگرگونی روزگار، تَتَوَكَّفُونَ: چشم به راه داشتید

وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ
النِّزَالِ

و در هنگامه کارزار،
عقب نشینی می کنید،

وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ

و از جنگ و جهاد فرار
می کنید.

ظاهر شدن چهره نفاق پس از رحلت پیامبر (ص)

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ
دَارَ أَنْبِيَائِهِ

اما زمانی که خداوند،
برای پیامبرش سرای ابدی
پیامبران را اختیار کرد،

وَمَا أَوْىٰ أَصْفِيَائِهِ

و آرامگاه همیشگی
برگزیدگانش را برای او
برگزید،

ظَهَرَ فَيْكُمُ
حَسَكَةُ النِّفَاقِ

کینه های درونی و علائم
دورویی شما ظاهر گردید،

وَسَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ

و جامه دین پوسید

وَنَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ

و گمراهانِ خشم فرو برده
به نطق آمدند،

تَنْكُصُونَ: عقب نشینی کردن، نِزَال: رویارویی در جنگ، حَسَكَةُ: کینه و دشمنی، سَمَلَ: پوسید، غَاوِينَ: گمراهان

و فرومایگان بی نام و نشان
سر بر آوردند و جلو آمدند،

وَنَبَغَ خَامِلٌ الْأَقْلِينَ

و نعره اهل باطل همچون
شتر مست نازپرورده به
غُرَش آمد،

وَهَدَرَ فَنِيقٌ
الْمُبْطِلِينَ

و در صحنه اجتماع شما
به حرکت درآمد،

فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ

و شیطان سرش را از
مخفی گاهش بیرون کرد،

وَأَطَّلَعَ الشَّيْطَانُ
رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَظِهِ

و شما را به سوی خود
دعوت کرد،

هَاتِفًا بِكُمْ

و شما را آماده پذیرش
دعوتش یافت،

فَالْفَاكُمُ لِدَعْوَتِهِ
مُسْتَجِيبِينَ

و شما را برای فریب
خوردن آماده دید.

وَاللَّغْرَةَ فِيهِ
مُلاَحِظِينَ

هَدَرَ: غُرَش شتر، فَنِيق: نازپرورده شتر، خَطَرَ: جولان دادن، عَرَصات: فضاهای باز، أَطَّلَعَ: سربرآورد، مَعْرَظ: مخفیگاه، غِرَّة: فریب و نیزنگ

آنگاه به تحریک شما برای
قیام پرداخت،

ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ

و شما را سبکبار و آماده
تحریک یافت،

فَوَجَدَكُمْ خِفافاً

و شعله‌های خشم و کینه
را در درون شما روشن کرد،

وَ اَحْمَشَكُمْ

و آثار غضب را در شما
نمایان دید.

فَالْفَاكُمُ غِضاباً

غصب خلافت

به شتری که از آن شما
نبود، علامت نهادید،

فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ اَيْلِكُمْ

و به آبشخوری که حق
شما نبود وارد شدید.

وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ

(و به غصب حکومت
پرداختید)

مَشْرِبِكُمْ هَذَا

اسْتَنْهَضَ: تحریک کرد، خِفافاً: سبکبار، چابک، اَحْمَشَ: به خشم آورد، وَسَّمَ: داغ کرد و نشان زد

و هنوز از رحلت
پیامبر (ص) چیزی
نگذشته بود،

وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ

و زخم این مصیبت هنوز
عمیق و باز بود،

وَالكَلْمُ رَحِيبٌ

و جراحات قلبی ما التیام
نیافته بود،

وَالْجَرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ

و هنوز پیامبر (ص) به
خاک سپرده نشده بود،

وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ

شتاب زده (در تعیین
خلیفه) هرچه خواستید
کردید.

إِبْتِدَارًا

ظاهرانگران هجوم فتنه‌ها
بودید (فتنه‌ها را بهانه کردید)

زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ

«بدانید که خود در فتنه
فرو افتادند،

«الَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

و جهنم بر کافران احاطه
دارد.» (توبه/۴۹)

وَأَنَّ جَهَنَّمَ
لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»

کلم: زخم، رحیب: باز، لَمَّا يَنْدَمِلُ: بهبود نیافته بود

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ
هیئات، از شما چنین
انتظاری نبود!

وَكَيفَ بِكُمْ
شما را چه شده؟ و چه
می‌کنید؟

وَإِنِّي تُوفِّكُونَ
کجا؟ و چرا کج‌راهِه
می‌روید؟

وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ
با اینکه کتاب خدا پیش
روى شماست،
أَظْهَرُكُمْ

أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَ
مطالبش نمایان، و
أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ
احکامش درخشان،

وَاعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ
و نشانه‌های هدایتش
تابان،

وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ وَ
و منہیات آن پیدا و
أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ
اوامرش هویدا است.

تُوفِّكُونَ (افک): به راه نادرست می‌روید، سربرآورد، زَوَاجِرُ (زاجرة): محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها، لَائِحَةٌ: نمودار

وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ
ظُهُورِكُمْ

اما شما آن را پشت سر
انداختید!

أَرَغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟

به راستی قصد دوری از
آن را دارید؟

أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ

و به غیر آن حکم
می‌کنید؟

بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

چه بد است برای ظالمان،
آنچه به جای قرآن
انتخاب کردند.

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ
الْإِسْلَامِ دِينًا

» و هرکس غیر از اسلام، راه
و رسمی انتخاب کند،

فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

قطعاً پذیرفته نخواهد بود،

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ
الْخَاسِرِينَ

و در آخرت در گروه
زیانکاران خواهد بود.»
(آل عمران/ ۸۵)

خَلَفْتُمُوهُ (خلف): پشت سر انداختید

آری، شما سوار بر ناقهٔ خلافت شدید

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا
رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ
نَقْرَتُهَا

آنگاه درنگ نکردید، مگر
به اندازه‌ای که مرکب
خلافت رام شود،

وَيَسْلَسَ قِيَادُهَا

و مهار آن و تسلط بر
اوضاع آسان شود،

ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ
وَقَدَّتْهَا

دوباره آتش فتنه‌ها را
برافروختید،

وَتُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا

و شعله‌ها و شراره‌های آن
را پیوسته تحریک کردید،

وَتَسْتَجِيبُونَ
لِهَيْتَافِ الشَّيْطَانِ
الْغَوِيِّ

و همواره دعوت شیطان
فریبکار را اجابت
می‌کنید،

لَمْ تَلْبَثُوا (لبث): درنگ نکردید، رَيْثَ: درنگ، مقداری از زمان، نَقْرَتَ (نقر): رم کردن، يَسْلَسُ: آسان و فرمانبردار شود، قِيَادُ: افسار و لگام، ثُورُونَ: آتش می‌افروزید، وَقَدَّتْ: آتش‌زنه، جَمْرَةٌ: شراره، اخگر، هَيْتَافٍ (هاتف): ندا، غَوِيٍّ: فریبکار

و به خاموش کردن
جلوه‌های انوار دین خدا
می‌پردازید،

وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ
الْجَلِيِّ

و در عمل به سنت‌های
پیامبر (ص) برگزیده
اهمال می‌کنید،

وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ
الصَّفِيِّ

و یواشکی کاسه شیر را تا
آخر سر می‌کشید، به این
بهانه که می‌خواهید کف
روی شیر را بگیرید.

تُسِرُّونَ حَسَوًا فِي
ارْتِغَاءِ

و برعلیه خانواده و
فرزندان پیامبر (ص) قدم
برمی‌دارید،

وَتَمَسُّونَ لِأَهْلِيهِ وَ
وَلَدِهِ

آرام و مخفیانه، از پشت
نهانگاه‌ها، تپه‌ها و انبوه
درختان.

فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَائِ

و باید تحمل کنیم، آنچه
از شما بر ماست،

وَنَصْبِرُ مِنْكُمْ

تُسِرُّونَ: یواشکی، پنهانی انجام می‌دهید، حَسَوًا: سرکشیدن، ارْتِغَاءِ (رغوة): کف روی شیر
را خوردن

که همانند زخم دشنه بر
حنجره‌هاست،

عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى

و سوزش هنگام فرو رفتن
نیزه در دل‌هاست.

وَوَحَزِ السِّنَانِ فِي
الْحَشَا

دادخواهی دربارهٔ غصب فدک در برابر ابوبکر

و اکنون گمان می‌کنید که
ارثی برای ما نیست،

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ
أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا

«آیا همان سنت جاهلی را
دنبال می‌کنید؟»

«أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ
تَبْغُونَ

و چه حکمی از حکم
خدا برای اهل یقین بهتر
است؟» (مائده/۵۰)

وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ
حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»

آیا شما این مسائل را
نمی‌دانید؟ البته که
می‌دانید!

أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى

حَزِّ: بریدن، مُدَى: دشنه‌ها، وَحَزِ السِّنَانِ: سوزش فرورفتن نیش نیزه، حَشَا: دل و روده، تَبْغُونَ: خواستن (به ناحق)

و همانند آفتاب
درخشنده برایتان
هویدا است که من دختر
پیامبر (ص) هستم.

قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ
كَالسَّمْسِ الضَّاحِيَةِ
أَنِّي ابْنَتُهُ

ای مسلمانان! سزاوار
است ارث من به زور از من
گرفته شود؟

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ!
أَأُغْلَبُ عَلَى ارْثِي؟

ای پسر ابی قحافه، آیا این
در کتاب خدا نوشته شده،

يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ!
أَفِي كِتَابِ اللَّهِ

که تو از پدرت ارث ببری
و من از پدرم ارثی نداشته
باشم؟

أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا
أَرِثَ أَبِي؟

چه سخن عجیب و
بی سابقه‌ای به هم
بافته‌اید!

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا
فَرِيًّا

آیا عمداً کتاب خدا را ترک
کرده‌اید،

أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمُ
كِتَابَ اللَّهِ

الضَّاحِيَةِ: درخشنده، شَيْئًا فَرِيًّا: چیز عجیب و نادرستی که به هم بافته باشند

وَأَنْ رَأَيْتَ سِرًّا
وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ
ظُهُورِكُمْ

قرآن می‌گوید: «سلیمان از
داود ارث بُرد» (نمل/۱۶)

إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ
سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»

و در داستان زکریا نیز
چنین است،
وَقَالَ فِيمَا آتَتْكَ مِنْ
خَبْرٍ زَكْرِيَّا

آنجا که فرمود: «پروردگارا،
مرا فرزندی عنایت فرما
إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ وَلِيًّا»

تا از من و از خاندان
یعقوب ارث ببرد.»
(مریم/۵-۶)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ
آلِ يَعْقُوبَ»

و در کتاب خدا فرمود: «و
خویشاوندان رحیمی،
وَقَالَ: «وَأُولُوا
الْأَرْحَامِ»

در ارث بعضی بر بعضی
دیگر سزاوارترند.» (انفال/۷۵)

بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ
فِي كِتَابِ اللَّهِ»

و فرمود: «خدا شما را به
ارث فرزندان سفارش
می کند

وَقَالَ: «يُوصِيكُمُ
اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ

که پسر دو برابر دختر بهره
می برد.» (نساء/۱۱)

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ
الْأُنثَىٰ»

و فرمود: «اگر مالی باقی
بماند،

وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا

به شایستگی برای پدران و
مادران و خویشان وصیت
شود،

الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ
الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ

که این حقی است
بر عهدهٔ پرهیزگاران.»
(بقره/۱۸۰)

حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»

و شما چنین گمان
بردید که برای من بهره ای
نیست،

وَزَعَمْتُمْ
أَنْ لَا حُظُوتَ لِي

و سهمی از ارث پدرم برای
من نیست،

وَلَا أَرِثُ مِنْ أَبِي

حُظُوتَ: بهره و نصیب

و نسبت خویشاوندی بین
ما نیست!

وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا

آیا خداوند آیه‌ای را
مختص به شما نازل کرده،

أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ

و پدرم را از حکم آن خارج
کرده؟

أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟

یا اینکه می‌گویید: پیروان
دو مذهب از یکدیگر ارث
نمی‌برند؟

أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ
أَهْلَ الْمِلَّتَيْنِ لَا
يَتَوَارَثَانِ؟

آیا من و پدرم از یک دین و
مذهب نیستیم؟

أَوَلَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ
أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟

آیا شما به عام و خاص
قرآن از پدر و پسر عموی
من داناترید؟

أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ
بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ
عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ
عَمِّي؟

عذاب قیامت برای غاصبان

فَدُونَكَهَا
حالا که چنین است، بگیر
(ارث من از آن تو)

مَخْطُومَةً مَّرْحُولَةً
همچون شتری مهارزده و
آماده استفاده است!

تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ
اما روزی که از خاک
برخیزی، تو را ملاقات
می کند،

فَنِعَمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ
و چه نیکو داوری است
در آن روز خداوند،

وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ
و چه نیکو پیشوایی است
محمد (ص)،

وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةَ
و چه نیکو وعده گاهی
است قیامت.

وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسَرُ
و در آن زمان، اهل باطل
همگی زیان کار باشند،
الْمُبْطِلُونَ

مَخْطُومَةً: لجام زده، مهار شده، مَرْحُولَةً: زین کرده و آماده حرکت (به زین شتر رحل می گویند)

وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذًا
و پشیمانی در آن زمان
تَنْدَمُونَ
فایده‌ای ندارد.

«وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ»
«و هر خبری که خدا داده
زمان وقوعی دارد،

وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»
و به زودی خواهید
فهمید» (انعام/۶۷)

«مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ
«که عذاب خوارکننده بر
يُخْزِيهِ
چه کسی فرود آید،

وَيَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ
و عذاب جاودانه بر چه
مُقِيمٌ»
کسی روا باشد.» (زمر/۳۹)

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ
آنگاه به سوی انصار نظر
الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:
کرد و فرمود:

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ
ای بزرگان و سروران امت،

وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ
و ای بازوان و حامیان
ملت،

وای پاسداران و حافظان
اسلام!

وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ!

این چه قصور و کوتاهی
است در حق من؟

ما هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي
حَقِّي

و این چه تسامحی است،
نسبت به دادخواهی من؟

وَالسِّنَّةُ عَنِّي
ظِلَامَتِي؟

آیا پدرم رسول خدا
نمی فرمود:

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ
أَبِي يَقُولُ:

احترام هرکس در احترام به
فرزندانش باقیست؟

الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ

چه سریع، اوضاع را دگرگون
کردید،

سَرَعَانَ مَا أَحَدَثْتُمْ

و چه زود به آنچه زمانش
نرسیده بود اقدام کردید،

وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ

با اینکه شما توان آنچه را
دنبال آن هستید دارید،

وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا
أُحَاوِلُ

وَقُوَّةٌ عَلَىٰ مَا أَظْلَبُ
وَأَزَاوِلُ

و قدرت حمایت از
خواستہ و هدف مرا دارید.

أَتَقُولُونَ مَاتَ
مُحَمَّدٌ؟

آیا می‌گویید: دیگر محمد
مردہ و همه چیز تمام شدہ؟

فَخَطَبُ جَلِيلٍ

آری، مصیبتی بس بزرگ
رخ دادہ،

إِسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ

ضعف و سستی حاصل
از آن مصیبت فراگیر شدہ،

وَاسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ

و شکاف ایجاد شدہ،
دامنہ دار و بازتر شدہ،

وَانْفَتَقَ رَتَقَهُ

و همبستگی ملت به
گسستگی تبدیل شدہ،

وَإِظْلِمَتِ الْأَرْضُ
لِغَيْبَتِهِ

و در غیبت پیامبر (ص)،
تاریکی همه جا را فرا گرفته،

وَكَسِفَتِ الشَّمْسُ وَ
الْقَمَرُ

و خورشید و ماه گرفته و
کم فروغ شدہ،

إِنْفَتَقَ: پاره شدہ، رَتَقَ: همبستگی، به هم دوختن

وَأَنْتَثَرْتَ النُّجُومُ
و ستارگان در مصیبت او
لِمُصِيبَتِهِ
پراکنده گشته،

وَأَكْذَبَتِ الْأَمَالُ
و آرزوها به نومیدی
گراییده،

وَوَخَّشَعَتِ الْجِبَالُ
و کوهها سر فرود آورده،

وَأَضِيعَ الْحَرِيمُ
و حریمها ضایع و
بی اعتبار شده،

وَأُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ
و با رفتن او دیگر حرمتی
عِنْدَ مَمَاتِهِ
باقی نمانده است.

فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ
به خدا سوگند که این
الْكُبْرَى
است همان فاجعه کبیره،

وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى،
و همان مصیبت عظیمه،
لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ
که به مانند آن نازل نشده،

وَلَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ
و بلای جانگدازی در این
سرا به پای آن نرسیده است.

إِنْثَثَرْتَ: پراکنده شد، أَكْذَبَتْ: ناکام ماند، بَائِقَةٌ: بلای جانگداز

والبته کتاب خدای
جلیل قبلاً از آن خبر داده؛
أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ
اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ

کتابی که در محضر
شماست و هر صبح و
شام می‌خوانید،
فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَ
فِي مُمْسَاكُمُ وَ
مُصْبِحِكُمْ

و با صدای بلند و رسا
قرائت می‌کنید،
يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ
هُتَافًا وَ صُرَاخًا

یا با لحن خوش تلاوت
می‌نمایید،
وَ تِلَاوَةً وَ الْحَانَاً

و البته پیش از او نیز برای
دیگر انبیای خدا اتفاق
افتاده،
وَ لَقَبَلَهُ مَا حَلَّ
بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ

حکمی است حتمی و
قضائی است قطعی.
حُكْمٌ فَصْلٌ وَ قَضَاءٌ
حَتْمٌ

أَفْنِيَّتِكُمْ: آستانه، محضر، هُتَاف: صدای بلند، صُرَاخ: فریاد

و آنچه در کتاب خداست، این است

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ
خداست، تنها فرستاده»

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ
الرُّسُلُ
که پیش از وی پیامبران
دیگری نیز بوده‌اند،

أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
انْقَلَبْتُمْ عَلَى
أَعْقَابِكُمْ
اگر بمیرد و یا کشته شود،
شما به عقب برمی‌گردید؟

وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى
عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ
شَيْئاً
البته هرکس به عقب
برگردد، کوچکترین زیانی
به خدا نمی‌رساند،

وَسَيَجْزِي اللَّهُ
الشَّاكِرِينَ
و خدا به زودی شاکران
را پاداش می‌دهد.»
(آل عمران/۱۴۶)

حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟

هان عجب! ای فرزندان
قیله و گروه انصار! **إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ!**

آیا حق من از میراث پدرم
ظالمانه از من گرفته
می‌شود **أَأَهْضَمُ تَرَاثُ أَبِي**

در حالی که شما می‌بینید
و می‌شنوید؟ **وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِثِّي وَ
مَسْمَعٍ**

و در جلسات و مجامع
مخاطب هستید؟ **وَمُنْتَدَى وَمَجْمَعٍ**

دعوت من شما را
فراموش می‌گیرد، **تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ**

و خبرها فراقیر است، **وَتَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ**

و نفرت و آمادگی کامل
دارید، **وَأَنْتُمْ ذَوُّو الْعَدَدِ وَ
الْعُدَّةِ**

قَيْلَةَ: زنی با شرافت که نسب انصار به او منتهی می‌گردد، أَهْضَمُ: ظالمانه حق مرا غصب
کنند، مُنْتَدَى: در معرض ندا بودن، مَجْلِس، تَشْمَلُكُمْ: شامل شما می‌شود

و ابزار و نیروی کافی در
اختیارتان هست،

وَالْأَدَاةَ وَالْقُوَّةَ

و سلاح جنگی و سپر هم
دارید،

وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ
الْحِجَّةُ

اما با اینکه به حد کفایت،
صدای دعوت به شما
می رسد، اجابت نمی کنید،

تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا
تُجِيبُونَ

و فریاد استغاثه به گوشتان
می رسد و فریادرسی
نمی کنید.

وَتَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ
فَلَا تُغِيثُونَ

به جنگ آوری و بی باکی
زبانزدید،

وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ
بِالْكِفَاحِ

و به اهل خیر و صلاح
معروفید،

مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ
الصَّلَاحِ

و برجستگانی هستید که
انتخاب شده اید،

وَالنُّخْبَةُ الَّتِي
انْتُخِبَتْ

کیفاح: جنگاوری

وَالْخَيْرَةُ الَّتِي
اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ

و اهل خیری هستیید که
برای ما اهل بیت برگزیده
شده‌اید،

قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ

با جماعت عرب پیکار
کردید،

وَتَحَمَلْتُمُ الْكَدَّ وَ
التَّعَبَ

و متحمل رنج و خستگی
زیادی شدید،

وَنَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ

و با گردنکشان اقوام شاخ
به شاخ شدید،

وَكَافَحْتُمُ الْبَهْمَ

و پنجه در پنجه حریفان
سرسخت انداختید.

لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ

تا بود اینگونه بود که باهم
حرکت می کردیم،

نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ

ما فرمان می دادیم و شما
فرمان می بردید،

نَاطَحْتُمْ: شاخ به شاخ شدید، بِيَهُم (بِهِمْ): دلیران، لَا تَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ: تا شما نمی آمدید، ما
نمی رفتیم، بَرَح: حرکت از جایی به جایی، تحمل سختی

تا اینکه آسیای اسلام با
محوریت ما به گردش
درآمد و چرخید،

حَتَّىٰ إِذَا دَارَتْ بِنَا
رَحَىٰ الْإِسْلَامِ

و شیر پستان روزگار و خیر
و برکت به فراوانی رسید،

وَدَّرَ حَلَبُ الْأَيَّامِ

و نعره‌های نخوت‌آمیز
شرک، کم‌کم به سردی
گرایید،

وَ خَضَعَتْ نَعْرَةٌ
الشِّرْكِ

و فوران دروغ و تهمت
فروکشید،

وَ سَكَتَتْ فَوْرَةٌ
الْإِفْكِ

و آتش کفر به خاموشی
گرایید،

وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ
الْكُفْرِ

و دعوت به هرج و مرج و
آشوب کم‌کم بیارامید،

وَ هَدَأَتْ دَعْوَةَ الْهَرْجِ

و نظام دین انسجام یافت
و به سر و سامان رسید.

وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ
الدِّينِ

دارت پنا: به چرخش در آمد، بر محور ما، رَحَى: سنگ آسیاب، دَرَّ: فراوان شد، هَدَأَتْ: ساکت شد، اسْتَوْسَقَ: انسجام یافت

فَأَنِّي حُرْتُمُ بَعْدَ
الْبَيَانِ

چه شد که بعد از روشن
شدن حق چنین حیرانید؟

وَأَسْرَرْتُمُ بَعْدَ
الْإِعْلَانِ

و پس از آشکار شدن،
حقیقت را پوشیده
می دارید؟

وَنَكَصْتُمُ بَعْدَ
الْإِقْدَامِ

و بعد از پیشقدمی،
عقب نشینی کردید؟

وَأَشْرَكْتُمُ بَعْدَ
الْإِيمَانِ؟

و بعد از ایمان، راه شرک در
پیش گرفتید؟

بُؤْسًا لِّقَوْمٍ «نَكثُوا»
أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ
عَهْدِهِمْ

بدا به حال مردمی که بعد
از اینکه پیمان بستند
سوگندهایشان را شکستند،

وَهُمُّوا بِإِخْرَاجِ
الرَّسُولِ

و در بیرون راندن
پیامبر (ص) اهتمام
کردند،

وَهُمْ بَدَّوْكُمْ أَوَّلَ
مَرَّةٍ

و نخستین بار، پیکار را
آنان شروع نمودند.

حُرْتُمُ: حیران شدید، حرتم: رو برگردانید، نَكَصْتُمُ (نکص): عقب گرد، نَكثُوا (نکث): عهد شکنی

آیا از آنها می ترسید؟ (چرا
با آنها مبارزه نمی کنید)

اتَّخَشَوْهُمْ

در حالی که سزاوارتر است
که از خدا بترسید، اگر اهل
ایمانید.» (توبه/۱۳)

فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آگاه باشید، من چنین
می بینم که شما در
راحت طلبی زمین گیر
شده اید.

أَلَا وَقَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ
أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفِضِ

و دور کردید کسی را که
سزاوارترین است

وَأَبَعَدْتُمْ مَنْ هُوَ
أَحَقُّ

به کم و زیاد کردن، و دخل
و تصرف و تدبیر امور،

بِالْبَسِطِ وَالْقَبْضِ

و در گوشه فراغت به
آرامش روی آورده اید،

وَخَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ

و خود را از فقر و تنگنا، به
گشایش رسانده اید.

وَنَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ
السَّعَةِ

خَفِضُ: راحتی، دَعَا: فراغت

نتیجه آنکه، بیرون انداختید
آنچه را فراگرفته بودید،

فَمَجَّجْتُمْ مَا
وَعَيْتُمْ

و بالا آوردید آنچه را به
گوارایی فروبرده بودید.

وَدَسَعْتُمْ الَّذِي
تَسَوَّغْتُمْ

«پس اگر شما و هرکس در
روی زمین است کافر شود،

«فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ
مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً

خدا از همگان بی نیاز و
ستودنی است.» (ابراهیم/۸)

فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»

آگاه باشید، آنچه لازم بود
بگویم را گفتم،

أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا
قُلْتُ هَذَا

با اینکه شما را می شناسم
و می دانم که یاری نکردن،
آمیخته با سرشت شماست،

عَلَى مَعْرِفَةِ مِنِّي
بِالْخِذْلَةِ الَّتِي
خَامَرْتَكُمْ

تنها گذاشتن و وفا نکردن،
فراگیر قلوب شماست.

وَالْغَدْرَةَ الَّتِي
اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ

مَجَّجْتُمْ (مَجَّ): بیرون انداختن از دهان، وَعَيْتُمْ (وعاء): در خود جای دادید، دَسَعْتُمْ: قی
کردید، تَسَوَّغْتُمْ (ساع): به آسانی فروبردن، خَامَرْتَكُمْ: با شما آمیخته شده، غَدْر: پیمان شکنی،
اسْتَشَعَرْتُ: پوشانیده است

وَلَكِنَّهَا فَيْضَةٌ
النَّفْسِ
ولی این شکوه‌ها سرریز
اندوه و نگرانی‌های متراکم
بود،

وَنَفَثَةُ الْغَيْظِ
و آه دلی خشمگین و
برافروخته،

وَاخْوَرُ الْقَنَاةِ
و سستی و ناتوانی
حامیانی برای تکیه،

وَبَثَّةُ الصِّدْرِ
و بروز غصه‌های انباشته و
نهفته در سینه،

وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ
و اتمام حجّتی برای همه.

هشدار به غاصبین خلافت

فَدُونَكُمْ مَوْهَا
حالا دیگر (خلافت) برای
شما، آن را بگیرید.

فَاَحْتَقِبُوهَا
اینک تنگ ببندید پالان
این ناقه را،

دَبْرَةَ الظَّهْرِ
که پشت او زخم دیده،

فَيْضٌ: سرریز شدن، نَفَثٌ: بیرون ریختن، آه، خَوَزٌ: سستی، بَثَّةٌ (بَثٌّ): آشکار کردن و بیرون
ریختن غم

پایش تاول زده و ساییده
(و قابل سواری نیست)،

نَقِيبَةَ الْخَفِّ

باقیه العار و ننگ آن باقی است،

بَاقِيَةَ الْعَارِ

و داغ غضب خدای توانا
برای او نشانه است،

مَوْسُومَةً بِغَضَبِ
الْجَبَّارِ

و رسوایی و بدنامی او
همیشگی و ابدی است،

وَسَنَارِ الْأَبَدِ

و سرانجام به آتش
بر افروخته الهی
خواهد رسید؛

مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ
الْمُوقَدَةِ

آتشی که بر دل‌ها شعله
خواهد کشید.

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى
الْأَفِيدَةِ

آنچه می‌کنید پیش چشم
خداست،

فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا
تَفْعَلُونَ

خَفِّ: کف پای شتر، مَوْسُومَةٌ: داغ و نشانه‌ای که بر حیوان می‌زنند شَنَارٌ: عار و ننگ

«وَأَنانَكَ سَتَمَ كَرَدَنَد
بِه زودى مى دانند كه
بازگشتشان به كجاست.»
(شعراء/۲۲۷)

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ
ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ
يَنْقَلِبُونَ»

و منم دختر پیامبری كه
به عذاب سختی كه پیش
روی شما است هشدار
می داد.

وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ
بَيْنَ يَدَيَّ عَذَابٍ
شَدِيدٍ

پس هرچه مى خواهید
بکنید، ما نیز به كار خود
هستیم،

فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ

و منتظر باشید كه ما هم
در انتظاریم.

وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا
مُنْتَظِرُونَ

پاسخ ابوبكر

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ:
ابوبكر گفت:

خدا و پیامبرش راست
گفته و دختر او هم راست
گفته،

صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ
صَدَقَتْ ابْنَتُهُ

مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ وَ
مَوْطِنُ الْهُدَى وَ
الرَّحْمَةِ

معدن حکمتی و کانون
هدایت و رحمت،

وَرَكْنُ الدِّينِ وَعَيْنُ
الْحُجَّةِ

ورکن دین و شریعت، و
چشمه جوشان برهان و
حجت.

لَا أَبْعَدُ صَوَابَكَ وَلَا
أُنْكِرُ خِطَابَكَ

من صحت گفتار تو را رد
نمی‌کنم و سخنانت را
انکار نمی‌کنم.

هُؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ
بَيْنِي وَبَيْنَكَ

این مسلمانانند که بین
من و تو داورند،

قَلَّدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ

خلافتی را که بر عهده
گرفته‌ام اینها به گردن من
انداخته‌اند،

وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ
أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ

و با اجماع آنها این
منصب را به دست
گرفته‌ام.

غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا
مُسْتَبِدِّ

نه متکبر بوده‌ام و نه
خودرأیی کرده‌ام،

وَلَا مُسْتَأْثِرٍ

و نه خود را بر دیگران
مقدم داشته‌ام،

وَهُمْ بِذَلِكَ شُهَدَاءُ

و همگی بر این مطلب
گواه و شاهدند.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان

فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةَ إِلَى
النَّاسِ وَقَالَتْ:

آنگاه فاطمه (س) روی
خود را به طرف مردم
برگرداند،

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ

و فرمود: ای جماعت
مسلمین!

الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ
الْبَاطِلِ

که شتابان به سوی
حرف‌های باطل می‌روید،

الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفَعْلِ
الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ

و بر کارهای زشت و
زیان‌بار چشم می‌پوشید،

أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ آیا در قرآن تدبر نمی‌کنید؟

أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا یا دل‌هایتان قفل خورده و
نمی‌فهمید؟

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى نه، بلکه دل‌هایتان به
قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ خاطر اعمال ناشایست
مِنْ أَعْمَالِكُمْ زنگار گرفته،

فَاخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ و گوش و چشم شما را
أَبْصَارِكُمْ بسته و در اختیار گرفته
است.

وَلَيْئَسَ مَا تَأْوَلْتُمْ و چه ناروا تأویل کرده و
چِه مصداق بدی مقرر
کرده‌اید،

وَسَاءَ مَا بِهِ آسَرْتُمْ و چه راه بدی را نشان
داده‌اید،

وَسَرَّ مَا مِنْهُ و جابجایی و معاوضه
إِعْتَصَمْتُمْ بدی انجام داده‌اید،

لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَهُ
ثَقِيلاً وَغِيبَهُ وَبِيلاً

به خدا سوگند بار آن را
سنگین و عاقبت آن را
ننگین خواهید یافت،

إِذَا كُشِفَ لَكُمْ
الْغِطَاءُ

زمانی که پرده‌ها کنار رود،

وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ
الضَّرَاءُ

و زیان‌های ناپیدا پدیدار
گردد،

وَبَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

و از جانب پروردگارتان برای
شما ظاهر و پیدا شود،

مَا لَمْ تَكُونُوا
تَحْتَسِبُونَ

چیزی را که به فکرتان هم
نمی‌رسید.

وَخَسِرَ هُنَالِكَ
الْمُبْطِلُونَ

و آنجاست که اهل باطل
زیانکار شوند.

غَيْبُهُ: عاقبت، سرانجام، و بِيلاً: پیامد ناگوار

ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا:

۱. ستایش سزاوار خدا است برای نعمت‌هایی که عطا فرمود. و شکر و سپاس سزاوار اوست برای آنچه الهام فرمود. و درودها شایسته اوست برای آنچه از پیش عطا فرمود. از نعمت‌های گسترده‌ای که آغاز نمود، و روزی‌های فراوانی که ارزانی داشت، و عطایای ارزشمندی که پی در پی افزود. فراتر از آنکه شمارش شوند، و ماندگارتر از آنکه قابل بازگشت و جبران باشند. و پایانش، فراتر از آنکه قابل ادراک باشد. و برای ازدیاد نعمت‌ها، آنها را به شکر خویش فراخوانده، و برای تکمیل آنها مردم را به ستایش خود دعوت نموده، و برای بدست آوردن امثال آنها، باز هم تشویق فرموده است.

۲. و شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌شریک نیست. سخنی که مصداق خارجی آن را اخلاص قرار داده، و روح آن را به

قلب‌ها پیوند داده، و ادارک عقلی آن را به روشنی برای عقول میسر کرده. چرا که دیدنش با چشم‌ها غیر ممکن، و بیان اوصافش با زبان، محال، و درک چگونگی او در پندار، ممتنع است.

۳. خداوند اشیاء را تازه آفرید، نه از چیزی که موجود باشد. و ایجادشان کرد، نه با پیروی و تقلید از چیزی. و با قدرت خویش هستی بخشید، و آنها را تکثیر و پراکنده ساخت، آنچنان که خواست. بی آنکه به آفرینش آنها نیازی داشته باشد، یا از صورت‌بندی آنها سودی برده باشد؛ جز آنکه حکمتش را به اثبات رسانده، و مردم را به اطاعت خود توجّه داده باشد، و قدرتش را از این دریچه ظاهر نموده، و زمینهٔ پرستش را برای مخلوقاتش فراهم آورده باشد، و به دعوت پیامبرانش قوّت بخشیده باشد.

فلسفهٔ ثواب و عقاب:

۴. سپس برای اطاعتش پاداش مقرر فرمود، و برای معصیتش کیفرها وضع نمود؛ تا بندگانش را از خشم و عذاب انتقام خود دور کند، و آنها را به

سوی بهشت خودش سوق دهد.

شهادت به رسالت حضرت محمد(ص):

۵. و گواهی می‌دهم که پدرم محمّد، بنده و فرستادهٔ اوست. او را پیش از آنکه او را بفرستد انتخاب کرد، و پیش از آنکه انتخاب کند نشانه کرد، و پیش از آنکه او را به پیامبری برانگیزد گزینش کرد.

۶. در حالی که مخلوقات، هنوز در عالم غیب پنهان بودند، و در پوشش اصلاب و ارحام، محفوظ بودند، و با مرز نیستی همنشین بودند. دلیل انتخاب پیامبر(ص)، علم خداوند متعال به آیندهٔ دوران، و احاطهٔ کامل او به حوادث روزگاران، و شناخت کامل او به مقدرات جهان بود. خداوند پیامبر(ص) را مبعوث فرمود، برای به انجام رساندن برنامه‌اش، و ارادهٔ قطعی بر ابلاغ و اجرای تصمیمش، و عملی کردن مقدرات حتمی‌اش.

وضع مردم قبل و بعد از بعثت:

۷. او مردم را مشاهده کرد، هر فرقه‌ای دینی را

برگزیده، برخی به خلوت نشینی و عبادت در آتشکده‌اند، برخی مشغول پرستش بت‌های تراشیده‌اند، و با اینکه او را به خوبی می‌شناسند، خدا را انکار می‌کنند.

۸. خداوند با نور پدرم محمد، تاریکی‌هایی که حاکم شده بود را زدود، و پرده‌های ابهام را از قلب آنها کنار زد، و تیرگی‌ها را از مقابل چشم‌ها برطرف ساخت، و در میان مردم به هدایت برخاست.

۹. تا اینکه آنها را از گمراهی و خرافات نجات داد، و به جای کوردلی، آنها را روشن بین نمود، و به دین استوار و با قوام هدایت فرمود، و آنها را به راه راست دعوت نمود.

وفات رسول خدا(ص):

۱۰. آنگاه خدا روح او را به سوی خویش کشید، با لطف و محبت، و اختیار و اشتیاق و انتخاب. اکنون محمد(ص) از رنج این دنیا راحت شده، فرشتگان برتر او را در میان گرفته، و رضوان پروردگار آمرزنده او را در بر گرفته، و در همسایگی فرمانروای چیره جای گرفته است. درود خدا بر پدرم،

پیامبر (ص) و امین او، و بهترین مردمان و برگزیده
او، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او.

۱۱. سپس رو به اهل مجلس کرد و فرمود:

شما بندگان خدا، مخاطبان او و امر و نهی او، و
حاملان دین و وحی او، و امانت داران خدا نسبت
به یکدیگر، و رساننده پیام او به امت های دیگر
هستید. پرچمدار و حافظ حق او در میان
شماست، و عهدنامه ای که برایتان فرستاده، و
یادگاری که بر شما حاکم کرده نزد شماست.

۱۲. کتاب گویای خداوند و قرآن راستگو،
نوری تابنده، و روشنایی درخشنده، دلایلش
روشن و اسرار باطنی اش هویدا، زیبایی هایش
جلوه کننده، و رهروانش مورد غبطه، پیروی اش
باعث رسیدن به رضوان الهی است، و نوندگانش
را به راه نجات کشانیده است.

۱۳. از طریق قرآن می توان به حجت های روشن
خدا رسید، و واجباتی که در آن تشریح شده
و محرماتی که منع شده، و دلایل روشنگرانه
و برهان های قانع کننده، و فضائل پسندیده

و رخصت‌ها و مباح‌های مرحمت شده، و دستورات و احکامی که واجب شده را به دست آورد.

اسرار عبادات و احکام دین:

۱۴. خداوند ایمان را مقرر فرمود برای پاکی شما از شرک، و نماز را مقرر فرمود برای دوری شما از کبر و خودخواهی، و زکات را برای پاکیزگی نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تحکیم اخلاص و پایداری، و حج را برای شکوه دین و استواری، و عدالت را برای پیوند قلب‌ها و همبستگی، و اطاعت ما خاندان را برای نظم و هماهنگی، و امامت ما را برای ایمنی از تفرقه و فروپاشی، و جهاد را برای عزت اسلام و سربلندی قرار داد.

۱۵. و صبر را وسیله‌ای برای شایستگی پاداش الهی، و امر به معروف را برای مصلحت عموم مردم، و نیکی به پدر و مادر را برای جلوگیری از غضب الهی، و صلۀ رحم را برای افزایش جمعیت و عمر طولانی، و قصاص را برای حفظ جان و پیشگیری از خون‌ریزی، و وفای به نذر را برای

کسب آمرزش الهی، و کامل دادن پیمانہ و وزن را برای تغییر روحیہ کم فروشی، و نہی از شرابخواری را برای دوری از پلیدی، و پرهیز از تہمت را برای دوری از لعنت خداوندی، و ترک دزدی را الزامی برای مصونیت از لغزش قرار داد و شرک را حرام فرمود برای خلوص نسبت بہ او در ربوبیت.

۱۶. «پس تقوا پیشہ کنید، آنگونہ کہ شایستہٗ مقام اوست، و از دنیا نروید، جز آنکہ تسلیم امر خدا باشید.» و خدا را در آنچه بہ آن امر و نہی شدہ اید اطاعت نمایند، چرا کہ «از میان بندگان خداوند، تنها عالمان در برابر عظمت خدا متواضعند.»

معرفی خود و خدمات پیامبر (ص):

۱۷. آنگاہ فرمود: ای مردم! ہمہ بدانید، من فاطمہ ام و پدرم محمد است. دوبارہ ہم می گویم، چنانکہ در ابتدا ہم بیان نمودم، و آنچه را می گویم اشتباہ نمی گویم، و در آنچه می کنم راہ خطا نمی پویم. «ہمانا برای شما، پیامبری از میان خودتان آمد، کہ رنج و محنت شما بر او دشوار، و بر نجات شما مشتاق، و بر مؤمنان،

رئوف و مهربان است». و اگر خاندان و نسب او را جویا شوید و او را بشناسید، می یابید که او پدر من است، نه پدر زنان شما، و برادر پسر عموی من است، نه برادر مردان شما. و چه افتخار و نیکو نسبتی است، نسبت با او.

۱۸. او وظیفهٔ ابلاغ رسالتش را به خوبی انجام داد، آشکارا هشدار می داد، از راه و رسم مشرکین رو می گرداند، بانواختن بر شانه ها، مردم را به پیش می راند، و از مقابل، آنها را می کشید. و با حکمت و اندرز نیکو به سوی پروردگار خود فرا می خواند. بت های سنگی و گلی را می شکست، و اشراف و سران مشرک و متکبر را سر می کوباند، تا اینکه جمع آنها شکست خورد و رو به عقب گریختند، و صبح ایمان، تاریکی کفر را شکافت و سر بر آورد، و حقیقت ناب به جلوه درآمد، و زمامدار دین به سخن آمد، و فریادهای شیاطین خاموش گشت، و دورویی و فرومایگی اهل نفاق فرونشست، و همبستگی های کفر و دشمنی و اختلاف به پایان آمد، و زبان به گفتن لا اله الا الله گشودید، و با

نفراتی رنگ پریده و شکم خالی هم زبان شدید.

حقارت مردم قبل از اسلام:

۱۹. و اما پیش از این بر لب پرتگاهی از آتش بودید، همچون جرعه‌ای برای آنها که دنبال نوشیدن‌اند، و فرصتی برای آنها که در طمع شکارند، و پاره آتشی برای آنها که دنبال ربودن آتش‌اند. و لگدکوب هر رونده، نوشنده آبهای آلوده و گندیده، و خورنده گوشت‌های خشکیده، و خوار و حقیر و رانده بودید. و پیوسته از اینکه مردمان غارتگر شما را برابند می‌ترسیدید. تا اینکه خدای تعالی شما را به وسیله محمد (ص) نجات داد، البته بعد از آن همه خواری و ناتوانی، و بعد از درگیری با مردان بی‌باک و بی‌پروا، و دزدان بدبخت عرب، و متمردین نافرمان یهود و نصارا.

علی (ع) و فداکاری‌های او:

۲۰. هر زمان آتش جنگی افروخته می‌شد، خداوند آن را خاموش می‌کرد. و یا هرگاه شاخ شیطان سر

برمی‌آورد، و یا فتنه‌ای از سوی مشرکین دهان می‌گشود، پیامبر(ص)، برادرش علی را در دهان معرکه می‌انداخت، و او دست بردار نبود، و سر از پا نمی‌شناخت، تا گوش آنان را کف پایش می‌گذاشت، و آتش فتنه را با آب شمشیرش خاموش می‌ساخت. در راه خدا بسیار سختی کشیده، در امر خدا بسیار کوشیده، مجاور و نزدیک به رسول خدا، سید و سالار و سروری از اولیاء خدا، آستین بالا و آماده، خیرخواه، پرتلاش و کوشنده، و در راه خدا بی‌اعتنا به سرزنش‌ها و ملامت‌ها بود.

سرزنش رفاه‌طلبان و فتنه‌گران:

۲۱. اما شما در رفاه و آسایش زندگی آرمیده، در شادمانی و امنیت با خیال آسوده لم داده، در انتظار دگرگونی روزگار و حوادث ناگوار برای ما نشسته، و گوش به زنگ اخبار بد درباره‌ی ما هستید، و در هنگامه‌ی کارزار، عقب‌نشینی می‌کنید، و از جنگ و جهاد فرار می‌کنید.

ظاهر شدن چهرهٔ نفاق پس از رحلت پیامبر (ص):

۲۲. اما زمانی که خداوند، برای پیامبرش سرای ابدی پیامبران‌ش را اختیار کرد، و آرامگاه همیشگی برگزیدگانش را برای او برگزید، کینه‌های درونی و علائم دورویی شما ظاهر گردید، و جامهٔ دین پوشید و گمراهانِ خشم فرو برده به نطق آمدند، و فرومایگان بی نام و نشان سر بر آوردند و جلو آمدند، و نعرهٔ اهل باطل همچون شتر مست نازپرورده به غُرش آمد، و در صحنهٔ اجتماع شما به حرکت درآمد، و شیطان سرش را از مخفی‌گاهش بیرون کرد، و شما را به سوی خود دعوت کرد، و شما را آمادهٔ پذیرش دعوتش یافت، و شما را برای فریب خوردن آماده دید.

غصب خلافت:

۲۳. و [شیطان] شما را به سوی خود دعوت کرد، و شما را آماده پذیرش دعوتش یافت، و توجه شما به فریب‌هایش رازیر نظر داشت، آنگاه به تحریک شما برای قیام پرداخت، و شما را سبکبار و آماده تحریک یافت، و شعله‌های خشم و کینه را در

درون شما روشن کرد و آثار غضب را در شما نمایان دید، به شتری که از آن شما نبود، علامت نهادید، و به آبشخوری که حق شما نبود وارد شدید. (و به غضب حکومت پرداختید) و هنوز از رحلت پیامبر (ص) چیزی نگذشته بود، و زخم این مصیبت هنوز عمیق و باز بود، و جراحات قلبی ما التیام نیافته بود، و هنوز پیامبر (ص) به خاک سپرده نشده بود، شتاب زده (در تعیین خلیفه) هرچه خواستید کردید. ظاهراً نگران هجوم فتنه‌ها بودید (فتنه‌ها را بهانه کردید) «بدانید که خود در فتنه فرو افتادند، و جهنم بر کافران احاطه دارد.» ۲۴. هیئات، از شما چنین انتظاری نبود! شما را چه شده؟ و چه می‌کنید؟ کجا؟ و چرا کج راه می‌روید؟ با اینکه کتاب خدا پیش روی شماست، مطالبش نمایان، و احکامش درخشان، و نشانه‌های هدایتش تابان، و منهیات آن پیدا و اوامرش هویدا است. اما شما آن را پشت سر انداختید! به راستی قصد دوری از آن را دارید؟ و به غیر آن حکم می‌کنید؟ چه بد است برای ظالمان، آنچه به جای قرآن انتخاب

کردند. «و هرکس غیر از اسلام، راه و رسمی انتخاب کند، قطعاً پذیرفته نخواهد بود، و در آخرت در گروه زیانکاران خواهد بود.»

آری شما سوار بر ناقهٔ خلافت شدید:

۲۵. آنگاه درنگ نکردید، مگر به اندازه‌ای که مرکب خلافت رام شود، و مهار آن و تسلط بر اوضاع آسان شود، دوباره آتش فتنه‌ها را بر افروختید، و شعله‌ها و شراره‌های آن را پیوسته تحریک کردید، و همواره دعوت شیطان فریبکار را اجابت می‌کنید، و به خاموش کردن جلوه‌های انوار دین خدامی پردازید، و در عمل به سنت‌های پیامبر (ص) برگزیده اهمال می‌کنید، و یواشکی کاسهٔ شیر را تا آخر سر می‌کشید، به این بهانه که می‌خواهید کف روی شیر را برگیرید. و برعلیه خانواده و فرزندان پیامبر (ص) قدم برمی‌دارید، آرام و مخفیانه، از پشت نهانگاه‌ها، تپه‌ها و انبوه درختان. و باید تحمل کنیم، آنچه از شما بر ماست، که همانند زخم دشنه بر حنجره‌هاست، و سوزش هنگام فرو رفتن نیزه در دل‌هاست.

دادخواهی دربارهٔ غصب فدک در برابر ابوبکر:

۲۶. و اکنون گمان می‌کنید که ارثی برای ما نیست، «آیا همان سنت جاهلی را دنبال می‌کنید؟ و چه حکمی از حکم خدا برای اهل یقین بهتر است؟» آیا شما این مسائل را نمی‌دانید؟ البته که می‌دانید! و همانند آفتاب درخشنده برایتان هویدا است که من دختر پیامبر (ص) هستم. ای مسلمانان! سزاوار است ارث من به زور از من گرفته شود؟

۲۷. ای پسر اَبی قحافه، آیا این در کتاب خدا نوشته شده، که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارثی نداشته باشم؟ چه سخن عجیب و بی سابقه‌ای به هم بافته‌اید! آیا عمداً کتاب خدا را ترک کرده‌اید، و آن را پشت سر انداخته‌اید؟ قرآن می‌گوید: «سلیمان از داود ارث بُرد» و در داستان زکریا نیز چنین است، آنجا که فرمود: «پروردگارا، مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد.»

۲۸. و در کتاب خدا فرمود: «و خویشاوندان

رحمی، در ارث بعضی بر بعض دیگر سزاوارترند.»
 و فرمود: «خدا شما را به ارث فرزندان سفارش
 می‌کند که پسر دو برابر دختر بهره می‌برد.» و فرمود:
 «اگر مالی باقی بماند، به شایستگی برای پدران
 و مادران و خویشان وصیت شود، که این حقی
 است بر عهده پرهیزگاران.» و شما چنین گمان
 بردید که برای من بهره‌ای نیست، و سهمی از ارث
 پدرم برای من نیست، و نسبت خویشاوندی بین
 ما نیست! آیا خداوند آیه‌ای را مختص به شما
 نازل کرده، و پدرم را از حکم آن خارج کرده؟
 ۲۹. یا اینکه می‌گویید: پیروان دو مذهب از
 یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم از یک دین
 و مذهب نیستیم؟ آیا شما به عام و خاص قرآن از
 پدر و پسرعموی من داناترید؟

عذاب قیامت برای غاصبان:

۳۰. حالا که چنین است، بگیر (ارث من از آن تو)
 همچون شتری مهارزده و آماده استفاده است! اما
 روزی که از خاک برخیزی، تو را ملاقات می‌کند،
 و چه نیکو داوری است در آن روز خداوند، و چه

نیکو پیشوایی است محمد(ص)، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت. و در آن زمان، اهل باطل همگی زیان‌کار باشند، و پشیمانی در آن زمان فایده‌ای ندارد. «و هر خبری که خدا داده زمان وقوعی دارد، و به زودی خواهید فهمید» «که عذاب خوارکننده بر چه کسی فرود آید، و عذاب جاودانه بر چه کسی روا باشد.»

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان:

۳۱. آنگاه به سوی انصار نظر کرد و فرمود: ای بزرگان و سروران امت، و ای بازوان و حامیان ملت، و ای پاسداران و حافظان اسلام! این چه قصور و کوتاهی است در حق من؟ و این چه تسامحی است، نسبت به دادخواهی من؟ آیا پدرم رسول خدا نمی‌فرمود: احترام هرکس در احترام به فرزندانش باقیست؟ چه سریع، اوضاع را دگرگون کردید، و چه زود به آنچه زمانش نرسیده بود اقدام کردید، با اینکه شما توان آنچه را دنبال آن هستم دارید، و قدرت حمایت از خواسته و هدف مرا دارید.

۳۲. آیا می‌گویید: دیگر محمد مرده و همه چیز تمام شده؟ آری، مصیبتی بس بزرگ رخ داده، ضعف و سستی حاصل از آن مصیبت فراگیر شده، و شکافِ ایجاد شده، دامنه‌دار و بازتر شده، و همبستگی ملت به گسستگی تبدیل شده، و در غیبت پیامبر (ص)، تاریکی همه‌جارا فرا گرفته، و خورشید و ماه گرفته و کم فروغ شده، و ستارگان در مصیبت او پراکنده گشته، و آرزوها به نومیدی گراییده، و کوه‌ها سر فرود آورده، و حریم‌ها ضایع و بی‌اعتبار شده، و بارفتن او دیگر حرمتی باقی نمانده است.

۳۳. به خدا سوگند که این است همان فاجعه کبیره، و همان مصیبت عظیمه، که به مانند آن نازل نشده، و بلای جانگدازی در این سرا به پای آن نرسیده است. و البته کتاب خدای جلیل قبلاً از آن خبر داده؛ کتابی که در محضر شماست و هر صبح و شام می‌خوانید، و با صدای بلند و رسا قرائت می‌کنید، یا با لحن خوش تلاوت می‌نمایید، و البته پیش از او نیز برای دیگر انبیای

خدا اتفاق افتاده، حکمی است حتمی و قضائی است قطعی.

۳۴. «محمد، تنها فرستاده خداست، که پیش از وی پیامبران دیگری نیز بوده‌اند، اگر بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ البته هرکس به عقب برگردد، کوچکترین زیانی به خدا نمی‌رساند، و خدا به زودی شاكران را پاداش می‌دهد.»

حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت نمی‌کنید؟

۳۵. هان عجباً! ای فرزندان قیله و گروه انصار! آیا حق من از میراث پدرم ظالمانه از من گرفته می‌شود، در حالی که شما می‌بینید و می‌شنوید؟ و در جلسات و مجامع مخاطب هستید؟ دعوت من شما را فرا می‌گیرد، و خبرها فراگیر است، و نفرت و آمادگی کامل دارید، و ابزار و نیروی کافی در اختیارتان هست، و سلاح جنگی و سپر هم دارید.

۳۶. اما با اینکه به حد کفایت، صدای دعوت به

شما می‌رسد، اجابت نمی‌کنید، و فریاد استغاثه به گوشتان می‌رسد و فریادرسی نمی‌کنید. به جنگ‌آوری و بی‌باکی زبانزدید، و به اهل خیر و صلاح معروفید، و برجستگانی هستید که انتخاب شده‌اید، و اهل خیری هستید که برای ما اهل بیت برگزیده شده‌اید، با جماعت عرب پیکار کردید، و متحمل رنج و خستگی زیادی شدید، و با گردنکشان اقوام شاخ به شاخ شدید، و پنجه در پنجه حریفان سرسخت انداختید. تا بود اینگونه بود که باهم حرکت می‌کردیم، ما فرمان می‌دادیم و شما فرمان می‌بردید.

۳۷. تا اینکه آسیای اسلام با محوریت ما به گردش درآمد و چرخید، و شیر پستان روزگار و خیر و برکت به فراوانی رسید، و نعره‌های نخوت‌آمیز شرک، کم‌کم به سردی گرایید، و فوران دروغ و تهمت فروکشید، و آتش کفر به خاموشی گرایید، و دعوت به هرج و مرج و آشوب کم‌کم بیارامید، و نظام دین انسجام یافت و به سر و سامان رسید. چه شد که بعد از روشن شدن حق

چنین حیرانید؟ و پس از آشکار شدن، حقیقت را پوشیده می‌دارید؟ و بعد از پیشقدمی، عقب‌نشینی کردید؟ و بعد از ایمان، راه شرک در پیش گرفتید؟

۳۸. بدا به حال مردمی که بعد از اینکه پیمان بستند سوگندهایشان را شکستند، و در بیرون راندن پیامبر(ص) اهتمام کردند، و نخستین بار، پیکار را آنان شروع نمودند. از آنها می‌ترسید؟ (چرا با آنها مبارزه نمی‌کنید) در حالی که سزاوارتر است که از خدا بترسید، اگر اهل ایمانید.»

۳۹. آگاه باشید، من چنین می‌بینم که شما در راحت طلبی زمین‌گیر شده‌اید. و دور کردید کسی را که سزاوارترین است، به کم و زیاد کردن، و دخل و تصرف و تدبیر امور، و در گوشهٔ فراغت به آرامش روی آورده‌اید، و خود را از فقر و تنگنا، به گشایش رسانده‌اید. نتیجه آنکه، بیرون انداختید آنچه را فراگرفته بودید، و بالا آوردید آنچه را به گوارایی فروبرده بودید. «پس اگر شما و هرکس در روی زمین است کافر شود، خدا از همگان بی‌نیاز

و ستودنی است.»

۴۰. آگاه باشید، آنچه لازم بود بگویم را گفتم، با اینکه شما را می‌شناسم و می‌دانم که یاری نکردن، آمیخته با سرشت شماست، تنها گذاشتن و وفا نکردن، فراگیر قلوب شماست. ولی این شکوه‌ها سرریز اندوه و نگرانی‌های متراکم بود، و آه دلی خشمگین و برافروخته، و سستی و ناتوانی حامیانی برای تکیه، و بروز غصه‌های انباشته و نهفته در سینه، و اتمام حجتی برای همه.

هشدار به غاصبین خلافت:

۴۱. حالا دیگر (خلافت) برای شما، آنها را بگیرید. اینک تنگ بیندید پالان این ناقه را، که پشت او زخم دیده، پایش تاول زده و ساییده (و قابل سواری نیست)، و ننگ آن باقی است، و داغ غضب خدای توانا برای او نشانه است، و رسوایی و بدنامی او همیشگی و ابدی است، و سرانجام به آتش برافروخته الهی خواهد رسید؛ آتشی که بر دل‌ها شعله خواهد کشید. آنچه می‌کنید پیش چشم خداست، «و آنانکه ستم کردند به زودی

می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.» و منم دختر پیامبری که به عذاب سختی که پیش روی شماست هشدار می‌داد. پس هرچه می‌خواهید بکنید، ما نیز به کار خود هستیم، و منتظر باشید که ما هم در انتظاریم.

پاسخ ابوبکر:

۴۲. ابوبکر گفت: خدا و پیامبرش راست گفته و دختر او هم راست گفته، معدن حکمتی و کانون هدایت و رحمت، و رکن دین و شریعت، و چشمه جوشان برهان و حجت. من صحت گفتار تو را رد نمی‌کنم و سخنانت را انکار نمی‌کنم. این مسلمانانند که بین من و تو داورند، خلافتی را که بر عهده گرفته‌ام اینها به گردن من انداخته‌اند، و با اجماع آنها این منصب را به دست گرفته‌ام. نه متکبر بوده‌ام و نه خودرایی کرده‌ام، و نه خود را بر دیگران مقدم داشته‌ام، و همگی بر این مطلب گواه و شاهدند.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان:

۴۳. آنگاه فاطمه (س) روی خود را به طرف مردم برگرداند، و فرمود: ای جماعت مسلمین! که شتابان به سوی حرف‌های باطل می‌روید، و بر کارهای زشت و زیان‌بار چشم می‌پوشید، آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنید؟ یا دل‌هایتان قفل خورده و نمی‌فهمید؟ نه، بلکه دل‌هایتان به خاطر اعمال ناشایست زنگار گرفته، و گوش و چشم شما را بسته و در اختیار گرفته است. و چه ناروا تأویل کرده و چه مصداق بدی مقرر کرده‌اید، و چه راه بدی را نشان داده‌اید، و جابجایی و معاوضه بدی انجام داده‌اید.

۴۴. به خدا سوگند بار آن را سنگین و عاقبت آن را ننگین خواهید یافت، زمانی که پرده‌ها کنار رود، و زیان‌های ناپیدا پدیدار گردد، و از جانب پروردگارتان برای شما ظاهر و پیدا شود، چیزی را که به فکرتان هم نمی‌رسید. و آنجاست که اهل باطل زیانکار شوند.

ستایش خداوند یکتا، شکر نعمت‌ها، و شهادت بر یگانگی خدا:

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا آهَمَ، وَ الشَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوحِ الْآءِ أَسَدَاهَا، وَ تَمَامِ مَنَنِ وَالْإِهَاءِ، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا، وَ نَائِي عَنِ الْجَزَائِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوُتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتِحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ ثَنَىٰ بِالنَّدَبِ إِلَىٰ أَمْثَالِهَا.

۲. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، أَلْمَمْتَنِعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتُهُ، وَ مِنْ الْأَلْسُنِ صِفْتُهُ، وَ مِنْ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ.

۳. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا حِتْدَاءٍ أَمْثَلَةً أَمْثَلَهَا. كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَهَا

بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَايِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ، وَتَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَتَعَبُّدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ.

فلسفة ثواب وعقاب:

٤. ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، زِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ، وَحِيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.

شهادات به رسالت حضرت محمد (ص):

٥. وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ إِجْتَبَاهُ، وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُتَعَّثَهُ.

٦. إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَبِسِرِّ الْأَهَاوِيلِ مَصُونَةٌ، وَبِنِهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَإِحَاطَةً بِمُجَوِّدِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ، ابْتَعَثَهُ اللَّهُ إِتْمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ

عَزِيمَةً عَلَىٰ إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَإِنْفَاذًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ

وضع مردم قبل و بعد از بعثت:

٧. فرأى الأمم فرقا في أديانها، عكفاً على نيرانها،

عابدةً لِأوثانها، مُنكرةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفانها.

٨. فأنار الله بآبي مُحَمَّدٍ ظلمها، وكشف عن

القلوب بھمها، و جلى عن الأبصار غمها.

٩. وقام في الناس بالهداية، فأنقذهم من الغواية،

وبصّرهم من العماية، وهداهم إلى الدين القويم،

ودعاهم إلى الطريق المُستقيم.

وفات رسول خدا(ص):

١٠. ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، قَبْضَ رَأْفَةٍ وَاخْتِيَارٍ، وَرَغْبَةٍ

وَإِيثَارٍ، فَمُحَمَّدٌ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ

حُفَّ بِالمَلَائِكَةِ الأَبْرارِ، وَرِضْوَانِ الرَّبِّ الغَفَّارِ، وَ

مُجاوَرَةِ المَلِكِ الجَبَّارِ، صَلَّى اللهُ عَلَى أَبِي، نَبِيِّهِ وَ

أَمِينِهِ، وَخَيْرَتِهِ مِنَ الخَلْقِ وَصَفِيِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

قرآن میراث پیامبر (ص) در میان امت:

۱۱. ثُمَّ التَّفَتَّتْ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَقَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ، نُصِبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَوَحْيِهِ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، وَزَعِيمُ حَقِّ لَهُ فِيكُمْ، وَعَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ، وَبَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ.

۱۲. كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ السَّاطِعُ، وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ إِتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ.

۱۳. بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَعَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ وَمَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.

اسرار عبادات و احكام دين:

۱۴. فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ، تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ

الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً
لِلنَّفْسِ وَنِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ،
وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ
طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ، وَالْجِهَادَ
عِزّاً لِلْإِسْلَامِ.

١٥. وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَالْأَمْرَ
بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ
السَّخَطِ، وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمْرِ وَمَنْمَاءً
لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصَ حِقْناً لِلدِّمَاءِ، وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ
تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَالْمَوَازِينِ
تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ، وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً
عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ،
وَتَرْكَ السَّرْقَةِ إِجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَحَرَمَ اللَّهِ الشِّرْكَ
إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

١٦. «فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ، وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
مُسْلِمُونَ»، وَأَطِيعُوا اللَّهَ، فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ

عَنهُ، فَإِنَّهُ، «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ، الْعُلَمَاءُ.»

معرفى خود و خدمات پیامبر (ص):

١٧. ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَبَدْءًا، وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ سَهْوًا، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.» فَإِنْ تَعَزَّوهُ وَتَعَرَّفُوهُ، تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمَةِ الْمَعْزِي يُ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

١٨. فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ، صَادِعًا بِالنِّذَارَةِ، مَا يُبْلَغُ عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا ثَبَجَهُمْ، آخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ، بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَ يَنْكُثُ الْهَامَّ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ، وَوَلَّوْا الدُّبُرَ، وَتَفَرَّقَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَاسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ وَشَيْطُ الْبِفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقْدُ

الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ، فِي نَفْرِ
مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ.

حقارت مردم قبل از اسلام:

١٩. وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذْقَةَ الشَّارِبِ،
وَنُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَقَبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَمَوْطِئَةَ الْأَقْدَامِ،
تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ،
تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ،
فَإِنْقَذَكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ، بَعْدَ اللَّتَا
وَالَّتِي، وَبَعْدَ أَنْ مَنِيَ بِهِمُ الرَّجَالِ، وَذُؤْبَانَ الْعَرَبِ،
وَمَرْدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ.

على (ع) وفداکاری های او:

٢٠. كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ، أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ
قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ
أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكِفِيءُ حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا
بِأَحْمَصِهِ، وَيُخَمِّدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ
اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ،

سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشِيرًا، نَاصِحًا مُجِدِّدًا كَادِحًا، لَا
تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَآئِمَةٌ.

سرزنش رفاہ طلبان وفتنہ گران:

۲۱. وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَاكِهُونَ
أَمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ
تَتَكْصُونَ عِنْدَ التِّزَالِ، وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ.

ظاهر شدن چہرہ نفاق پس از رحلت پیامبر (ص):

۲۲. فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى
أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ
جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ
خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي
عَرَصَاتِكُمْ، وَأَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ،
هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ
لِلْغَرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ.

غصب خلافت:

٢٣. ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ [الشيطان]، فَوَجَدَكُمْ خِيفًا،
وَ اَحْمَشَكُمْ، فَالْفَاكُمُ غِضَابًا، فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ
اِبِلِكُمْ، وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ، هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ،
وَالكَلْمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا
يُقْبَرُ، اِبْتِدَارًا، زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، «الَا فِي الْفِتْنَةِ
سَقَطُوا، وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ» (توبه/٤٩).

٢٤. فَهَيَّاتَ مِنْكُمْ، وَكَيْفَ بِكُمْ، وَاِنِّي تُوفِّكُونَ،
وَكِتَابُ اللّٰهِ بَيْنَ اَظْهَرِكُمْ، اُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَاحْكَامُهُ
زَاهِرَةٌ، وَ اَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَاطِحَةٌ، وَ اَوَامِرُهُ
وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، اَرْغَبَةٌ عَنْهُ
تُرِيدُونَ اَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئس لِلظَّالِمِيْنَ بَدَلًا، «وَ
مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا، فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي
الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِيْنَ» (آل عمران/٨٥).

آرى شما سوار بر ناقه خلافت شديد:

٢٥. ثُمَّ لَمْ تَلْبَسُوا اِلَّا رِيْثًا، اَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتُهَا،

وَيَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُرُونَ وَقَدَّتْهَا، وَ
 تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ
 الْغَوِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَاهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ
 الصَّفِيِّ، تُسِرُّونَ حَسَوًّا فِي ارْتِعَاءٍ، وَتَمَشُّونَ لِأَهْلِهِ وَ
 وَلَدِهِ، فِي الْخَمْرِ وَالضَّرَاءِ، وَنَصْبِ مَنْكُمْ، عَلَى مِثْلِ
 حَزِّ الْمُدَى، وَوَحْزِ السِّنَانِ فِي الْحَشَا.

دادخواهی درباره غصب فدک در برابر ابوبکر:

۲۶. وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ، أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا، أَفَحُكْمَ
 الْجَاهِلِيَّةِ تَبْغُونَ، وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ
 يُوقِنُونَ أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ
 الضَّاحِيَةِ، أَنِّي ابْنَتُهُ. أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَأَغْلَبُ عَلَى
 إِرْثِي؟

۲۷. يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَلَا فِي كِتَابِ اللَّهِ، أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ،
 وَلَا إِرْثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمْدٍ
 تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ، وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ:
 «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»، وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ

زَكَرِيَّا، إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا، يَرِثُنِي وَ
يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»

٢٨. وقال: «وأولوا الأرحام، بعضهم أولى ببعض في
كتاب الله»، وقال: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ،
لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»، وقال: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا،
الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ، حَقًّا عَلَى
الْمُتَّقِينَ». وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَّا حُطُوعَ لِي، وَلَا أَرِثَ مِنْ
أَبِي، وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ، أَخْرَجَ أَبِي
مِنْهَا؟

٢٩. أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ الْمِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ
لَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ
بِمُخْصِصِ الْقُرْآنِ وَعُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟

عذاب قيامت برای غاصبان:

٣٠. فَدُونُكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ، تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ،
فَنِعْمَ الْحَكْمُ لِلَّهِ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ،
وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ

تَتَدَمُّونَ، «وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ»، وَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ، «مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ».

سرزنش انصار، به خاطر سکوت و کوتاهی ایشان:

۳۱. ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَتْ: يَا مَعْشَرَ التَّقِيْبَةِ، وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَحَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَالسِّنَّةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ، سَرْعَانَ مَا أَحَدَثْتُمْ، وَعَجَلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوِلُ.

۳۲. أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ؟ فَخَطْبُ جَلِيلٌ، اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ، وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ، وَأُظْلِمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَكُسِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، وَانْتَشَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَاكْتَدَتِ الْأَمَالَ، وَخَسَعَتِ الْجِبَالَ، وَأَضِيعَ الْحَرِيمُ، وَأُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ.

۳۳. فَتِلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَالْمُصِيبَةُ

الْعُظْمَى، لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ، وَلَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ
بِهَا كِتَابُ اللَّهِ، جَلَّ ثَنَاؤُهُ، فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَ فِي
مُمْسَاكِكُمْ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتِفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ
هُتَافاً وَ صُرَاخاً، وَ تِلَاوَةً وَ الْحَانَاءَ، وَ لَقَبْلَهُ، مَا حَلَّ
بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَصْلٌ، وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ.
٣٤. «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ، قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ
الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ،
وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ، فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً، وَ
سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران/١٤٦)

**حضرت دوباره به انصار خطاب فرمود: چرا حمایت
نمی‌کنید؟**

٣٥. إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ! أَأَهْضَمُ تُرَاثَ أَبِي، وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى
مَنِّي، وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ،
وَ تَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ، وَأَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ، وَالْأَدَاةُ
وَ الْقُوَّةُ، وَ عِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَ الْجَنَّةُ.
٣٦. تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ، فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ

الصَّرْحَةَ، فَلَا تُغِيثُونَ، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ،
 مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَالنُّخْبَةُ الَّتِي انْتُخِبَتْ،
 وَالْخَيْرَةُ الَّتِي، اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَاتَلْتُمْ
 الْعَرَبَ، وَتَحَمَّلْتُمْ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ، وَنَاطَحْتُمْ الْأُمَّةَ،
 وَكَافَحْتُمْ الْبُهَمَ، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ
 فَتَأْتِمِرُونَ.

٣٧. حَتَّىٰ إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَدَرَّ حَلَبُ
 الْأَيَّامِ، وَخَضَعَتْ نَعْرَةَ الشَّرِكِ، وَسَكَتَتْ فَوْرَةُ
 الْإِفْكِ، وَخَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَهَدَّاتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ،
 وَاسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَتَى حُرَّتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ،
 وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ،
 وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟

٣٨. بُؤْسًا لِقَوْمٍ «نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ، مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ،
 وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ، وَهُمْ بَدُوؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ،
 اتَّخَشَوْنَهُمْ، فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ، إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

٣٩. أَلَا، وَقَدْ أَرَى، أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفِضِ، وَأَبْعَدْتُمْ

مَنْ هُوَ أَحَقُّ، بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، وَخَلُوتُمْ بِالِدَّعَةِ، وَ
نَجُوتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَّجْتُمْ، مَا وَعَيْتُمْ، وَ
دَسَعْتُمْ، الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ، «فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ جَمِيعاً، فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ.» (ابراهيم ٨)

٤٠. أَلَا، وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا، عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي،
بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ، وَالْغَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا
قُلُوبُكُمْ، وَلَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَنَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ
خَوْرُ الْقَنَاةِ، وَبَثَّةُ الصَّدْرِ، وَتَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ.

هشدار به غاصبین خلافت:

٤١. فَدُونَكُمْوَهَا، فَاحْتَقِبُوهَا، دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقَبَةَ
الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَغْضَبِ الْجَبَّارِ، وَشَنَارِ
الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ، الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى
الْأَقْفِدَةِ. فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ
ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/ ٢٢٧) وَأَنَا ابْنَةُ
نَذِيرٍ لَكُمْ، بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا
عَامِلُونَ، وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.

پاسخ ابوبکر:

٤٢. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَتْ
إِبْنَتُهُ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ، وَ
رُكْنُ الدِّينِ، وَعَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعَدُ صَوَابَكَ وَلَا أَنْكِرُ
خِطَابَكَ، هُوَ لَا يَأْتِي الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، قَلَّدُونِي،
مَا تَقَلَّدْتُ، وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ
مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدِّ وَلَا مُسْتَأْثِرٍ، وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.

هشدار و اتمام حجت نهایی حضرت به مسلمانان:

٤٣. فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ، إِلَى النَّاسِ،
وَقَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ، الْمُسْرِعَةِ إِلَى قِيلِ
الْبَاطِلِ، الْمَعْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا
تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا، كَلَّا بَلْ
رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَآخَذَ
بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ، وَلَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَسَاءَ مَا
بِهِ أَشْرْتُمْ، وَشَرَّ مَا مِنْهُ إِعْتَضْتُمْ.

٤٤. لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ، مَحْمَلَهُ ثَقِيلاً، وَغِبَّهُ وَبِيلاً، إِذَا

كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَبَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَبَدَا
لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ، مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَخَسِرَ
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ.